



نوشته از ع. بصیر دهبازاد

### **مکشی کوتاهی بر ختم کار کمیسیون حقیقت یاب حوادث کندوز**

جناب امر الله صالح در صفحه فیس بوک خود از ختم کار کمیسیون حقیقت یاب قضیه مربوط به سقوط کندوز و ارائه گزارش دوصد صفحه ئی و ارجاع آن به شورای امنیت ملی دولت اطلاعاتیه را پخش نمود.

البته توقع هم میرفت تا این کمیسیون فاکت ها و حقایق بدست آمده را در حدود و صغور صلاحیت کاری خویش آماده و به همان مرجع صلاحیت ده دوباره ارائه مینمود. اینکه این پروسه حقیقت یابی به سرعت انجام یافت، از یک جهت مثبت است که کمیسیون کارش را به با دقت به حرف های کمیسیون گوش داد و امید همه افراد سرعت انجام داد، شورای امنیت ملی و گروه ها هم در این است که این کمیسیون با استقلالیت و وظایف شان را بدست گرفته، اجرا نموده و با کمال صداقت و استقلالیت ( بدون در نظر گرفتن تعلقات و ذوق های قبلی سیاسی و تنظیمی) گزارش را تهیه و ارائه نموده باشد. ولی در این مورد چند سوالی را میتوان مطرح نمود، به دو دلیل:

**یکی** اینکه اگر ارزیابی های شورای امنیت ملی و اورگانهای دولتی از این واقعیت ها و تصامیم مربوط به آن که از دولت توقع برده میشود، کتمان واقعیت نمایند ، آیا جناب صالح چگونه در برابر آن عکس العمل نشان خواهد داد. زیرا این یک وظیفه خطیر ملی، دولتی و بررسی ازسقوط یک ولایت مهم، بررسی از جرایم شدید جنگی و جرایم ضد ضد انسانی مطرح بوده است ، پلان که خیلی ها ماهرانه و مسلکی نظامی و استخباراتی سازماندهی و در یک طرح مثلثی ستون پنجم درون دولت - طالبان - استخبارات پاکستان + حامیان شان ، در عمل پیاده شد. البته برگشت دوباره جناب صالح را به دنیای سازمان سبزشان به فال نیک گرفته راه شان را سبز تر میخوایم ، اما چند نکته مهم برای حال و آینده کشور مرتبط بر قضیه کندوز:

## دوم اینکه در کندوز چه ها واقع گردیدند:

پیش زمینه قضیه سقوط کندوز در به تعویق افتادن عملیات تصفیوی 27 منطقه کندوز که بایستی در بهار امسال انجام میشدند، میتواند نهفته باشد. معلوم میشود که نظر به گفته رئیس امنیت ملی در شورای امنیت ملی قابل جستجو است. که در پارلمان بیان نمود، رد پای این قضیه نظر به شواهد از دو ماه قبل از حمله طالبان آنان در مناطق اطراف شهر کندوز با آزادی کامل و با سلاح های شان در گشت و گذاز بوده اند و امنیت ملی کندوز و اداره ولایتی (شخص والی) از آن آگاهی کامل داشته اند. بدین مفهوم که مردم قبلاً در ترس و وحشت از تصرف شهر توسط طالبان قرار داشتند.

نظر به اطلاعات یکی از وکلای ولایت هرات در داخل پارلمان، افراد مشکوک دسته دسته ، تحت حمایت ارودی پاکستان از سرحد به داخل افغانستان میگذاشتند و در داخل بس ها از طریق بادغیس به ولایات شمالی کشور انتقال داده میشدند. دولت در این مورد در سکوت مرگبار و سوال بر انگیز قرار داشت و لب از لب تکان نمیداد.

توافقنامه دند غوری که فقط حیثیت یک توفقنامه موقتی (مقطعی) را داشت ، زمینه ساز دو مسأله شد: یکی که طالبان در این ساحه و اطراف آن خود را با این موافقتنامه مصئون ساختند و صدهای شان، با استفاده از مواد این قرارداد ، به کندوز فرستاده شدند و دوم اینکه حین سقوط کندوز طالبان در این منطقه مانع انتقال نیرو های کمکی به کندوز گردیدند که در نتیجه سقوط کندوز سریعتر به وقوع پیوست . کشته شدن بیش از صد طالب از مناطق بغلان که در کندوز کشته شده و جسد های شان دوباره به خانواده های شان در بغلان تسلیم داده شدند، گواه این فاکت است.

عدم حضور والی و رئیس امنیت کندوز در اوج تهدیدات طالبان که در واقعیت حالت اضطراری و آماده باش باید میبود، سوال بزرگ است که تنها سبکدوش ساختن والی توسط رئیس جمهور یک قدم آغازین باید باشد.

وزیر امور داخله افغانستان آغاز یک ساعت تأخیر در عملیات کندوز را عامل ورود غیر قابل پیشبینی طالبان به شهر میدانند.

سقوط پوسته ها بخصوص بالاحصار کندوز که قوای کمکی به موقع با آن نمیرسید و یکی پی دیگری سقوط میکردند.

بمباردمان شفاخانه دوکتوران بدون سرحد ، اینکه میگویند طالبان با آزادی کامل با استفاده از امبولانس های این شفاخانه زخمی های خویش را انتقال میدادند، روشن نیست.

اسیران جنگی به گلوله بسته شدند، در زیر چاین های تانکها کشته و خمیر شدند، تعرض به حریم شخصی و تعرض به زنان و دختران صورت گرفته است. در حالیکه طالبان ادعا میکنند که " به فضل خداوند ما به ناموس مردم احترامانه برخورد نمودیم، دارائی های عامه و بیت المال را به غارت نبردیم و به اسیرا برخورد اخلاقی و اسلامی نمودیم. و .....!!!" طرف دیگر هم از انجام هرگونه اعمال ضد انسانی و تعرض به نوامیس خانواده ها انکار میکنند.

طالبان با آنکه ادعای فوق را دارند، ولی دها و ممکن صد های همقماش طالبی (بیگانگان) را با خود به جنگ بردند و یکجا با آنها خون ریختند و با حریم شخصی خانواده ها دست بدست تعرض نمودند و غیرت افغانی خویش را خود زیر پا انداخته لگدمال نمودند.

تعداد از دلایان سیاسی هم از طریق وسایل اطلاعات جمعی و انترنتی بدون آگاهی از فاکت های واقع شده، جنگ را جنبه قومی و زبانی دادند و غیر مسئولانه ( قابل تحقیق عدلی و مجازاتی) با مصاحبه های شان عملاً به تحریک و تشویق تخاصمات بین القومی مبادرت ورزیدند. این تحریکات از پارلمان افغانستان تا تلویزیون های داخل افغانستان و تلویزون های برون مرزی و انعکاسات پر تعفن آن در صفحات فیس بوکی نیز کم نبودند.

این تعداد با درد و دریغ به آنچه در کندوز واقع میگردید و جنایت ارتکاب میافت و انسانها ی هموطن ما قربانی خشونت و تعرض میگردیدند، را نادیده گرفته ، یکی در دفاع مستقیم و غیر مستقیم از طالبان و دیگری از قوماندانهای جهادی مسلط در کندوز مینمایند. در حالیکه انسان با تعهد و مردم دوست برایش قبل از آنکه به دیگر جوانب فکر کند، به آنچه انسان جامعه ما قربانی جنایت میگردد ، میاندیشد، نه اینکه مسأله قوم و تبار را مطرح نمایند یا اینکه با قربانی یکی بی تفاوت ماند و با قربانی دیگر پیراهن های حضرت عثمان را در هر جا و از عقب هر میکروفون به خود حمل نموده قضیه را بزرگتر از واقعیت نشان میدادند. این خود یک تفاوت بزرگ بین تاریک اندیشی ( ولو با دریشی و نکتائی و یا خود را چپ و راست و یا دموکرات نشان دادن) و روشنگری و ملی اندیشی است زیرا برای یک فرد ملی انسان جامعه مطرح است ،صرف نظر از اینکه مربوط به کدام قوم و زبان و منطقه است. هر یک از این قماش از همان دیدگاه پر تعفن ضد ملی ،ضد وحدت ملی و عدم احترام به حق مشروع بر بنیاد قانون اساسی اتباع ، خود را به جعلیات تاریخ می پیچانند و به حکم دادن های میان تهی مبادرت میورزند و شخصیت های کاذب شان را با ارائه همین گونه حکم ها روپوش میگذارند. تعداد هم در صحبت های تلویزونی و برآمد های شان مطالب تحریک آمیز را مطرح نموده اند که بر بنیاد قوانین نافذه کشور و پرنسیپ های حقوق بشری و جامعه مدنی قابل بررسی عدلی میباشدند. در مقابل این سیاسیون و دولتمداران دهان پر آب و معامله گراند که جرئت و توانائی بررسی شجاعانه این چنین مسایل خطر ناک را هنوز ندارند.

تلویزون کانال 1 هالند در حین این پروسه های خطرناک در افغانستان نیز یک برنامه را پخش نمود که چندید سال قبل از کندوز تهیه و با تعداد از مردان خانواده های پشتون و نقش قوماندان

میر علم مصاحبه گردیده بود . ولی این نوار قبلاً پخش نشده بود . برای " روز میدا" حفظ شده بود. در این برنامه از انتقام گیری ها میان دو قوم بحث به عمل می‌آمد. و بلاخره حکومت انگلستان و آمریکا نیز خود را در این پلان شریک ساخته نان خویش را در تنور داغ ملت مظلوم پزیدند و موجودیت عساکر خویش را در کشور ما دائمی ساختند. در مقابل دولت و وزارت " پسیف" خارجه افغانستان بدون کدام عکس العمل و ارائه یک طرح مشخص فقط " دست بالا کرده دعای خیر" نمودند.

### **نکات مهم و هنوز قابل بررسی کندوز:**

قضیه کندوز را باید از چندین بعد مورد یک حقیقت یابی، تحقیق و نتیجه گیری های دفاعی- نظامی، حقوق بین المللی ( حقوق بشر و جنایات جنگی و ضد بشری ) ، قدرت و اداره دولتی و عدلی و حقوق جزائی قرار داد.

**اول اینکه:** ما امید و اریم تا گزارش دوصد صفحه ئی کمیسیون حقیقت یاب به یک بخش از سوالات پاسخ روشن داده بتواند که :

حادثه کندوز بحیث یک پلان تنظیم شده نظامی و استخباراتی و پیش زمینه های آن در تعال عمدی و وظیفوی و اشتباهات نیرو های نظامی و امنیتی را به یک تصویر واقعی بکشد. مدارک لازم ، نه از حدسیات و گفته های دست دومی و سومی ، بلکه از مصاحبه های افراد و شاهدان که خود شاهد قضایا بوده و قسم یاد کرده باشند که واقعیت را بیان نموده اند. ( کسان که بحیث شاهد و یا طرف ضرر چشمدید شان را بیان میکنند، باید قبلاً بدانند که در صورت دادن تصویر غیر واقعی قابل پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت).

**دوم اینکه:** جرایم جنگی ، حقوق بشری و ضد انسان و انسانیت بخشی خیلی ها مهم در این قضیه میباشد. من معتقدم که ممکن در این بخش کمیسیون حقیقت یاب نتوانسته باشد فاکت های دقیق که زمینه ساز یک پروسه عدلی و حقوق مجازاتی گردد، نایل شده باشد. گمان من این است ممکن این بخش شامل وظایف کمیسیون هم نبوده باشد، زیرا برای حقیقت یابی چنین جرایم اولاً به یک کمیسیون ضرورت است که در ترکیب آن باید تعداد از افراد متخصص ( داکتران طب عدلی، نهاد های مدافع حقوق زنان ، حقوقدانان که در این عرصه تجربه مسلکی داشته باشند، نماینده گان حقوق بشر و جامعه مدنی و افراد با تجربه از نهاد های مدرسانی اجتماعی که حد اقل آشنائی به شیوه کار و مصاحبه با افراد متضرر داشته باشند که آنها مورد خشونت و تعرض قرار گرفته باشند) تشکیل یافته باشند. برای این چنین حقیقت یابی نمیتوان از یک وکیل پارلمان و یا یک کارمند عالیرتبه دولتی و نظامی استفاده نمود و توقع نتیجه گیریهای مسلکی را نمود.

**سوم اینکه:** قضیه بررسی جنایات جنگی و ضد انسان و انسانیت باید از دیدگاه حقوق بین المللی و تحت رهبری مستقیم جامعه بین المللی ( سازمان عدالت بین المللی ) صورت گیرد که باید مصئون از هر گونه نفوذ و فشار دولتها باشد، زیرا مسأله مربوط به نقض صریح کنوانسیون های بین المللی مربوط به جرایم علیه بشریت و جرائم جنگی میشوند که در کنوانسیون ها و پروتوکول های بین المللی پیشبینی گردیده اند و دولت افغانستان متعهد بر تطبیق و رعایت آنها میباشد. بمباردمان شفاخانه دوکتوران بدون مرز موضوع جدی قابل بررسی است که نباید سازمان ملل متحد آنرا ( که جز یک توطئه منطقی است ) سطحی گیرد که تنها به یک معذرت خواهی و تطمع پولی خانواده های متضرر محدود باقی بماند و عاملین یک جرم جنگی بحیث ( آقای ماورای قوانین و کنوانسیون های بین المللی ) مصئون از بررسی جنایات جنگی باقی بماند. \*مراجعه شود به اعلامیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا پیرامون جنایات جنگی در کندوز:

### جنایات جنگی و بشری در کندوز

**چهارم اینکه:** قضیه موقف و ارزیابی دولت افغانستان در برابر پروسه های بعد از حقیقت یابی حایز اهمیت و میزان صداقتمندی به ملت میباشد که چگونه بدان برخورد میکند ، خواهد کرد و تا کدام سرحد موضوع را از دیدگاه یک دولت با اراده مستقل و غیر وابسته به سیاست های منطقی نا مشروع ، مطرح ، تعقیب و مورد پیگرد قرار میدهد.

من معتقد بر این امر هستم که افشا، حل و اخذ یک پالیسی روی قضیه کندوز ممکن یک چالش بزرگ ضد حاکمیت و امنیت ملی را بر ملا سازد، چهره های خائن که در جرائم ضد امنیت ملی و داخلی رول بازی نموده اند، معرفی و در یک دادگاه خاص قضیه کندوز مورد مجازات قرار گیرند، حتی اگر مسببین یا ستون پنجم در همجواری دفتر رئیس جمهور و رئیس حکومت نشسته باشند.

بحیث یک شاغل مسلک مقدس حقوق و یک فعال اجتماعی معتقد بر آنم که اگر دولت کنونی بر این " توطئه کودتا گونه " وسازمانداده شده پا در کلوخ مانده و از آب بگذرد، این قضیه در آینده ها دوباره به بررسی گرفته خواهد شد، ممکن توسط حکومت های مستقل و غیر وابسته در آینده هم دور از امکان نیست. زیرا قضایای مربوط به ملت و حاکمیت و امنیت ملی نمیتوانند همیشه زیر باز خاک های انداخته شده باقی بمانند و مجرمین مصئون باقی بمانند.

من اکنون از حدت و گمان بدین باور متین معتقدم که قضیه کندوز گره گاه بسیاری از سوالات خواهد بود که افراد و حلقات ترقیخواه و وطندوست این سوالات را مطرح میکنند ولی هنوز نتوانسه اند بدین سوالات شان جواب مستدل و با فاکت های غیر قابل انکار دریابند. من این تقاضای خود را از همه این افراد و حلقات مطرح میسازم که نگذارید بالای این گره خونین و محور یک توطئه ملی در خاک خونین تان انبار های خاک انداخته شود. از امروز تا فردا ها دستگاه دولت را با هر گونه وسایل فشار و ادار به بررسی نهائی قضیه کندوز سازید.

**لطفاً با نوشته ها و کومنت های تان از این نکات بیان شده فوق حمایت کنید.**

با احترام